

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۰/۱۳

نویسنده: بهادرا کومار
مترجم: رسول رحیم

هند در حین مباحثه افغان ها روی حکومت موقت محتاط است

منبع: اندین پنچ لاین ۱۳ اکتوبر

بخش-۱



دیدار عبدالله عبدالله رئیس شورای آشتی ملی افغانستان از دهلی جدید به دلایل متعددی دارای اهمیتی عظیمی می باشد که مهم ترین آن اهمیت بالقوه اش برای یک بازسازی عمیق سیاست های افغانستان هند در آستانه پروسه صلحی می باشد که اکنون در دوحه جریان دارد.

عبدالله فقط ده روز پس از بازدید چشم گیرش از اسلام آباد به دهلی آمد. این بازدید او پس از ۱۲ سال از نخستین سفر وی به پایتخت پاکستان صورت گرفت. در طول سال های ۱۹۸۰ که "جهاد" افغان ها علیه اشغال شوروی جریان داشت، عبدالله به مثابه دستیار نزدیک احمد شاه مسعود، محتاطانه فاصله گیری از پاکستان را حفظ نمود. هند از اوایل سال های ۱۹۹۰، همین که مجاهدین قدرت را در کابل در دست گرفتند، او را می شناسد.

عبدالله به مثابه یک افغان ملی گرا، توام با مشرب دموکراتیک و ارزش های ثابت سکولار خود را در هند (و جهان غرب) عزیز گردانیده است، یعنی به حیث شخصی که در پیشاپیش نیروهای مدرنیته با چشم انداز جهان وطنی در افغانستان، در نیم قاره واقعاً نادر است.

شگفت انگیز نیست هرگاه از نگاه دستگاه حاکم (استبلیشمنت) پاکستان که در محاسبات سیاسی با طرز فکر برد و باخت مطلق - حاصل جمع صفر- پروژۀ طالبان را پیش می برد، عبدالله برچسپ دوست هند بودن را حمل می کرد و او را همچون یک بازیگر سیاسی حاشیه نی می نگریند. اما اهمیت عبدالله برای جاسوسان و دیپلمات های پاکستانی هنگامی آشکار گردید که بحث جستجوی یک راه خروج ایالات متحد امریکا از افغانستان برای پایان جنگ شتاب گرفت و قرار بر آن شد که این جنگ جیوپولیتیکی "بومی سازی" گردد. پاکستان به زودی عبدالله را به مثابه شخصی دریافت که می بایست روی او حساب باز کند.

درعین زمان منزلت عبدالله نیز فزونی گرفت و تحول مدام وی به مثابه یک سیاستمدار بالغ و عملگرا و یک شخصیت ملی یک واقعیت مجاب کننده گردید. همه این ها آن گرمی، رعایت آداب و اشتیاقی را روشن می گردانند که اسلام آباد با هموار کردن قالین سرخ برای خوش آمدید گفتن به عبدالله فراتر از اقتضات پرتوکول رفت.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

در واقع هیچ پوشیده نیست که عبدالله به حمایت قوی واشنگتن برای پیشبرد پروسه صلح « به رهبری افغان ها، در مالکیت افغان ها و تحت کنترل افغان ها » از جانب کابل گماشته شده است. صادقانه باید گفته شود که این "بنیاد بروکینگ" (مرتبط با دستگاه امنیتی ایالات متحد آمریکا) بود که برای نخستین بار این مطلب را مطرح نمود که عبدالله همان کاری را می کند که یک داکتر به مریض افغان تجویز می نماید.

بنیاد بروکینگ نوشته است: « عبدالله یک انتخاب عالی برای رهبری چنان تیم بزرگی است که نمایندگی از رهبران سیاسی، احزاب، زنان افغان و جامعه مدنی می نماید. چنان که اشارت رفته است، او با حامد کرزی رئیس جمهور اسبق کار کرده است، که خود بازیکن مهم در همه این امور است، در عین زمان مخالف کرزی بوده است. او با غنی کار کرده است و علیه وی کارزار انتخاباتی داشته است. او به حیث وزیر خارجه کشور کار کرده است. او به کشورش کمک نموده است تا از دو انتخابات مناقشه برانگیز جان به سلامت ببرد. و میراث (عرق و خون) مختلط پشتون و تاجک نیز از وی یک چهره طبیعی وحدت آفرین ساخته است. مهم تر این که، عبدالله در ایالات متحد آمریکا و سرتاسر جهان عمیقاً مورد احترام است. »

نخستین ملاحظه دستگاه حاکم برای ایالات متحد آمریکا (استبلیشمنت) این بود که بر عبدالله می توان اعتماد کرد چون او پروسه صلح را برهم نمی زند و در عوض مادی که دیر یا زود بیرون کشیدن نیروها آغاز می شود، آن را در سمتی منطبق با منافع ایالات متحد آمریکا هدایت می کند.

با اطمینان از اینکه که گفت و گو ها در دوحه، در روز های آینده آهسته آهسته به سوی لحظات تعیین کننده ای می رود که در آن احتمال تفاهم روی کاهش خشونت و در ارتباط با آن ترتیباتی برای شرکت در قدرت در کابل مطرح می باشد، دولت هند انتظار دارد که منزلت عبدالله در چشم انداز سیاسی افغانستان باز هم افزایش یابد.

موفقیت عبدالله (ظاهراً) در جلب اطمینان و اعتماد پاکستان باید بر طالبان نیز تاثیر بگذارد و این عامل تعیین کننده ای در نقش رهبری کننده وی در هرگونه ترتیبات موقتی مشارکت در قدرت می شود که در کابل به وجود آید. اما در اینجا یک هشدار وجود دارد و آن اینکه اشرف غنی رئیس جمهور بحال نخست توافق نماید که جا خالی کند و کنار رود. گفتن چنین چیزی آسان تر از انجام دادن آن است.

انقباض ستر اثریکی:

سفر ناگهانی غنی به دوحه در پنجم اکتوبر - حتی هنگامی که عبدالله عازم دهلی بود - بیانگر آن است که حس ششم این سیاستمدار هوشمند به وی حذر می دهد که زمین زیر پایش در حال تغییر است. غنی امیدوار بود که با میزبان های قطری اش و هیئت نمایندگی اش برای راه اندازی گفت و گوهای صلح در دوحه ملاقات کند، اما نه با طالبان که با وی گپ نمی زنند.

غنی از حمایت آن بخش هائی از دستگاه نظامی و امنیتی ایالات متحد آمریکا برخوردار است که از برنامه های رئیس جمهور ترامپ برای رهائی از شر "جنگ ابدی" در افغانستان بیزار اند. چنان که می توان تصور نمود، گروه های ذی نفع مختلفی در کار اند که به مثابه مستفید شوندگان از جنگ، سمارق وار روئیده اند، به غنایم جنگی معتاد می باشند و علاقه مند اند این منبع استثمار و به دست آوردن آسان پول تا هرگاهی که ممکن است ادامه یابد.

در کنار اینکه تلاش های لابی پر نفوذ طرفدار جنگ سرد با روسیه در واشنگتن هنوز پایان نیافته است. مهم تر از آن تشدید رقابت با چین نیز ایجاب می نماید که ایالات متحد آمریکا پایگاه های نظامی اش را در افغانستان نگهدارد. نا آرامی کنونی در قرغزستان فقط اراده لابی طرفداری از جنگ سرد را در دستگاه حاکم ایالات متحد آمریکا (استبلیشمنت) تقویت می کند.

نکته جالب توجه اینکه یک تحلیل گر مرتبط با ارتش آزادی بخش خلق چین اخیراً نوشته است که چنانسی وجود ندارد که سربازان امریکائی از افغانستان بیرون کشیده شوند و دستورکار مبرم آمریکا آنست که کنترل معبر واخان را به دست آورد. لی یان، یک پژوهشگر بنیاد نیروهای نظامی خارجی بخش تحقیقات جنگی اکادمی علوم نظامی ارتش آزادی بخش خلق چین، تحلیل زیر را ارائه نموده است:

«سر راست ترین دلیلی که چرا امسال (سال انتخابات) ایالات متحد آمریکا توافق نامه صلح با طالبان را امضا کرد، کارزار انتخاباتی ترامپ می باشد. اما اساسی ترین دلیل برای بیرون رفتن نیروهای امریکائی از افغانستان انقباض ستر اثریکی می باشد که در نتیجه افول قدرت ایالات متحد آمریکا به وجود آمده است...»

تاثیر بیرون رفتن ایالات متحد آمریکا بر اوضاع افغانستان وابسته به برنامه بیرون رفتن ایالات متحد آمریکا است.

گزینه اول برای ایالات متحد آمریکا وفا به عهدش و بیرون رفتن کامل نیروها می باشد... (اما) احتمال آن وجود دارد که طالبان کاملاً کنترل افغانستان را در دست گیرند. این برابر با آن است که ایالات متحد آمریکا اشتباه جنگ ویتنام را تکرار کند و افول ایالات متحد آمریکا تأیید شود. این چیزی است که تنها ابرقدرت امروز نمی خواهد با آن مواجه شود.

گزینه دوم مودل سورپایانی است که ایالات متحد امریکا تنها کنترل چند منطقه کلیدی را در دست گیرد. از نقطه نظر جیوپولیتیکی برای ایالات متحد امریکا منطقه نهایت مهم در افغانستان معبر واخان است. با اینهم این معبر نهایت کوچک است و توسط چین، پاکستان و تاجیکستان احاطه شده است.

سومین گزینه بیرون کشیدن محدود نیروها از افغانستان و ادامه موجودیت یک رژیم طرفدار امریکا در آنجا می باشد... هرچند برنامه قرار دادن افغانستان در وضعیت نفاق و اغتشاش ادامه خواهد یافت، این امر به ایالات متحد امریکا به اقتضای انقباض ستراتژیک در جهت ادامه کنترل اش بر افغانستان کمک می کند.

«با مقایسه این گزینه ها، به احتمال زیاد ایالات متحد امریکا گزینه سوم را به کار می بندد. در عین زمان انقباض ستراتژیک ایالات متحد امریکا در افغانستان از چگونگی نتایج انتخابات امریکا متاثر نمی گردد. این به دلیل آن است که تطبیق انقباض ستراتژیک در افغانستان توسط قدرت و منافع ملی ایالات امریکا تعیین می شود، و این یک سیاست جا افتاده هر دو حزب است.»

به عبارت دیگر غنی نفوذ باقی مانده بزرگی در حلقه های ستراتژیک ایالات متحد امریکا دارد، اگرچه اداره و شخص ترامپ او را دور نگه داشته است.

مطمئناً عبدالله جدآ امیدوار است که آن زمان می رسد و تقریباً نزدیک شده است که دهلی نقش سازنده ای در شکستن بن بست در روابط ناخوش آیندش با غنی بازی کند. اما در اعلامیه هند صرفاً گفته شده است که نخست وزیر مودی «بر تعهد هند روی صلح پایدار و رفاه در افغانستان تاکید نموده و از تلاش ها در جهت یک آتش بس جامع و دایمی در افغانستان استقبال نموده است.»